

الباب الثاني و العشر من الواحد الخامس في دفن الاموات...

حضرت باب

اصلي فارسي



الباب الثاني و العشر من الواحد الخامس في دفن الاموات في الاجار المرم و جعل خواتيم العقيق في ايدهم.

ملخص اين باب آنکه چون اين جسد ظاهري عرش آن جسد باطني است بر آنچه آن حکم ميگردد اين هم محکوم بحکم ميگردد و الا آنکه متلذذ ميگردد يا متألّم او است باين جسد نه نفس اين از اين جهت است که خداوند از جهت آنکه عرش آن جسد بوده حکم فرموده در حق او بمنتهای حفظ او که آنچه سبب کره او گردد بر او وارد نيابد زيرا که جسد ذاتي بر عرش خود ناظر است بر اين جسد و اگر عز اين را مشاهده کند گویا او عزيز گشته و اگر دون اين را مشاهده کند بر او وارد ميآيد آنچه وارد ميآيد از اين جهت است که امر باعظام و احترام آن بغايت شده

و اذن داده شده که در بلور يا حجر مصيقل مستور گردد که شئي که سبب کره جسد ذاتي او باشد در عرش خود ملاحظه ننمايد اين است ثمره اين امر کذلک يمين الله على من يشاء من عباده انه هو المهيمن القيوم

و اذن بخاتم عقيق داده شده که از برکت آيه منقوشه بر آن حزني بر آن جسد ذاتي وارد نيابد و از نار محتجب و در ظل نور مستقر باشد و هر کس بر يد آن باشد خاتمي که اسم الله بر او منقوش باشد اگر از مؤمنين بيان است و عاملين بحدود آن حق است بر خداوند که او را داخل در جنات خود فرمايد و از فضل و جود خود آنقدر بآن کرامت فرمايد که راضي شود ﴿و من اصدق من الله حديثا﴾ لو انتم بالله و آياته توقنون



ORIGINAL



AUDIO

ثمره این حکم آنکه چون عود کل بسوی مظاهر تکبیر میگردد که عنصر تراب ذکر میشود در آن و منتهی عروج تراب اول رتبه او حجر است تا آنکه بمنتهی رتبه صفا که حد بلوریت هست رسد که آن وقت اسم صمد در حق او ظاهر شود لعل در حین عود کل در چنین اجساد جوهریه ذاتیه مستقر گردند و مدل بر حق شوند بتکبیر او و الله یهدی من یشاء بامرہ انه عزیز منیع.

